

تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی در راستای استقرار مدیریت اجتماع محور در مناطق خشک

- ❖ علیرضا استعلاجی؛ استاد گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام خمینی (ره)، ری
- ❖ احمد حاج علیزاده؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمی
- ❖ مسعود حیدروند؛ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

رویکرد مدیریت اجتماع محور از جمله رویکردهایی است که اهمیت فزاینده‌ای در فراگرد مدیریت سرزمین دارد که در آن افراد محلی در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مدیریتی سرزمین، فعالانه مشارکت می‌کنند و در مرکز تصمیم‌گیری‌ها قرار دارند. با توجه به اینکه رویکرد اجتماع محور تأثیر بسزایی بر ارتقاء سرمایه اجتماعی برون گروهی دارد، پژوهش حاضر اثر بخشی رویکرد مدیریت اجتماع محور در راستای تقویت سرمایه اجتماعی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه سرگروه‌های چهار روستای زیارت شاه، ده رضا، رستم آباد علی چارک و علی آباد هشتصد متری، از توابع شهرستان ریگان استان کرمان است که مدیریت مشارکتی مناطق خشک در این منطقه اجرایی شده است. ارزیابی سرمایه اجتماعی با استفاده از روش تحلیل شبکه و سنجش پیوندهای اعتماد و مشارکت و با استفاده از شاخص‌های سطح کلان شبکه دینفعان محلی صورت گرفته است. ابزار پژوهش پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای بوده و تعداد ۳۳ نفر بر اساس روش نمونه‌گیری شبکه کامل مورد پرسش قرار گرفتند. نتایج نشان از میزان متوسط شاخص‌ها در مرحله قبل از اجرا و روند مثبت و صعودی این شاخص‌ها به دنبال اجرای پروژه اجتماع محور و مشارکتی دارد. بنابراین اجرای پروژه مذکور منجر به اعتمادسازی و تقویت روحیه مشارکت و همکاری در بین سرگروه‌ها و در نتیجه تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی شده است که این امر اثربخشی مطلوب رویکرد اجتماع محور مدیریت سرزمین در راستای افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی برای مدیریت مشارکتی مناطق خشک را مورد تأکید قرار می‌دهد.

کلید واژگان: رویکرد مدیریت اجتماع محور، سرمایه اجتماعی برون گروهی، تحلیل شبکه اجتماعی، شهرستان ریگان

۱. مقدمه

رویکرد اجتماع محور رویکردی در پیشگیری است که در آن به نقش عوامل محیطی و اجتماعی در ارتقاء "کیفیت زندگی" و "رفاه اجتماعی" مردم توجه می‌شود. مدیریت اجتماع محور رویکردی مبتنی بر توسعه است که هدف آن در بلند مدت ارتقاء فرآیند توسعه است و به صورت بالقوه بر توانمندسازی مشارکتی و ایجاد ساختارهایی با قابلیت انتقال تفکرات و مطالبات از پایین به بالا بنا شده است [۴۳]. در رویکرد اجتماع محور تلاش می‌شود تا افراد و گروه‌های فعال و تأثیرگذار جوامع به فعالیت و ایفای نقش در تمامی مراحل چرخه مدیریت فراخوانده شوند و شرایط لازم به منظور افزایش ظرفیت‌های افراد و گروه‌های محلی فراهم آید [۱۷]. در واقع؛ هدف اصلی این رویکرد، درگیر کردن نیروهای بومی و محلی در فرآیندهای برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، هماهنگی، کنترل و سازماندهی مدیریت با هدایت دولت است [۲۰]. این رویکرد به دلیل ماهیت مشارکتی خود در مقایسه با سایر روش‌ها اثرات توانمندسازی بیشتری دارد [۵۳]، که این توانمندی در سایه ظرفیت‌سازی در افراد ایجاد می‌گردد. بنابراین انتظار می‌رود که به کارگیری این رویکرد در نهایت منجر به اصلاح ساختاری اجتماع، توانمندی افراد برای حل مسائل، ایجاد مشارکت بیشتر افراد در برنامه‌های اجتماعی گردد [۴۸]. در این راستا سرمایه اجتماعی یکی از ارکان اساسی در توانمندسازی اجتماعی جوامع محلی [۲۵] و یکی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه‌شناختی در مدیریت مشارکتی سرزمین محسوب می‌شود [۴۴]. برای سنجش سرمایه اجتماعی از دو مؤلفه اعتماد و مشارکت استفاده شده است. اعتماد یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت بوده و به عنوان تسهیل‌کننده فضای رفتار جمعی و ایجاد کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت تلقی می‌گردد [۵۷]. مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم

در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند [۳۷] و حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، نیرومند ساختن ناتوانان، درهم شکستن فرهنگ سکوت و از میان بردن حاشیه نشینی و کاهش انزوای اجتماعی خواهد بود [۵۴].

۱.۱. رویکرد اجتماع محور

رویکرد اجتماع محور، رویکردی است در پیشگیری که در آن به نقش عوامل محیطی و اجتماعی در کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم توجه می‌شود. همچنین، رویکردی بر اساس مدل محیطی- اجتماعی و مداخله کامل و مؤثر ذی‌نفعان در یک اجتماع کوچک است که در آن اعضاء برای ارتقاء شرایط خود، به برنامه‌ریزی‌های محلی اقدام می‌کنند [۳۳]. در رویکرد مدیریت اجتماع محور، جوامع محلی به عنوان جوامعی که توانایی عمل و مشارکت دارند در نظر گرفته می‌شوند نه جوامعی که باید به آن‌ها کمک کرد و یا اینکه آنان ناتوان هستند. از این رو، این رویکرد از همکاری اجتماعی محلی و مشارکت محلی در فرآیند مدیریتی استقبال می‌کند [۱۰]. رویکردهای اجتماع محور به صورت بالقوه بر توانمندسازی مشارکتی و ایجاد ساختارهایی با قابلیت انتقال تفکرات و مطالبات از پایین به بالا بنا می‌شوند؛ حاکمیت اخلاق و اولویت پرداخت بسیاری از کمک‌های بلاعوض به سازمان‌های اجتماع محور، از علل اصلی موفقیت این رویکردهاست [۳۵]. در سال‌های اخیر مشارکت ذینفعان یا دست‌اندرکاران در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای عرصه‌های طبیعی در قالب مدیریت اجتماع محور مورد بحث قرار گرفته است و به عنوان روشی برای ارتقای سرمایه اجتماعی مورد حمایت گسترده واقع شده است [۱۴، ۳۵].

۲.۱. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، پدیده‌ای مدیریتی است و برای آن ویژگی‌های گوناگونی تعریف شده که شامل اعتماد و رفتارهای مشترک، ارتباطات، همکاری، تعهد متقابل،

باشد و قادر به بهره‌وری از فرصت‌هایی که برای او در جامعه پیش می‌آید نباشد و به نوعی منزوی شده باشد، دچار مطروذیت اجتماعی شده است [۱۵]. وجود شبکه‌های مشارکت در هر جامعه‌ای بیانگر میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه است. هر چقدر مشارکت گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی غنی‌تر است [۲]. به طور کلی کمبود اعتماد و مشارکت در بین افراد در شبکه‌های اجتماعی کاهش سرمایه اجتماعی در میان جوامع را به دنبال خواهد داشت. این امر باعث می‌گردد که افرادی که با سایر اعضای جامعه ارتباط برقرار نمی‌کنند در پیرامون شبکه قرار گیرند و به این ترتیب نابرابری اجتماعی اتفاق می‌افتد که خود زمینه ساز طرد اجتماعی است [۳].

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر مشارکت ذینفعان یا دست‌اندرکاران در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای عرصه‌های طبیعی در قالب مدیریت اجتماع محور مورد بحث قرار گرفته است و به عنوان روشی برای ارتقاء سرمایه اجتماعی مورد حمایت گسترده واقع شده است [۳۵، ۱۴]. در این تحقیق به تأثیر رویکرد اجتماع محور در راستای تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از طریق روش تحلیل شبکه در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور در مناطق خشک در بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه در چهار روستای زیارت شاه، ده رضا، رستم آباد علی چارک و علی آباد هشتصد متری پرداخته شده است.

۲. روش شناسی تحقیق

۲.۱. معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان ریگان با وسعتی حدود ۸۵۸۴۰۰ هکتار در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده است که پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور در آن اجرا شده است. شهرستان ریگان دارای دو بخش مرکزی و گنبدکی بوده که شامل یک مرکز شهری، دو بخش، چهار دهستان و ۲۶۲ روستا با مجموع جمعیت ۶۶۳۲۵ نفر است. در اکثر

شناخت متقابل و شبکه‌هاست [۵۱]. سرمایه اجتماعی منبع ایجاد و انسجام روابط اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، این منبع، تحقق اهدافی را ممکن می‌سازد که دستیابی به آن‌ها دشوار یا گران خواهد بود [۱۳]. سرمایه اجتماعی در ساختار روابط میان کنشگران نهفته است و کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند [۵۰، ۵۱]. تقویت سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت و ارتباط افراد با یکدیگر می‌شود و از این طریق نقش مهمی در افزایش مشارکت افراد با یکدیگر دارد [۱]. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی سبب تقویت منابع و اطلاعات در بین افراد می‌شود [۳۰] اجتماعاتی که متشکل از انواع و اقسام شبکه‌های اجتماعی هستند در رویارویی با فقر و ضعف اجتماعی در موقعیت بهتری قرار دارند، دعواها را حل می‌کنند و از فرصت‌های تازه بهره می‌گیرند و با مشارکت و سبب در اجتماعات محلی موجب انزوای طرد اجتماعی و قوت ادغام اجتماعی خواهند گردید [۵۱]. لذا سرمایه اجتماعی در بعد برون‌گروهی اهمیت بسیاری دارد و تقویت این بعد در مدیریت اجتماع محور محلی ضرورت دارد. جهت سنجش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، از دو مولفه اعتماد و مشارکت اجتماعی استفاده خواهد شد.

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آن‌ها بر عهده دارد [۵، ۱۸]. در عین حال، بسط‌ساز تعاملات اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است [۳۶]. همچنین بیان شده است که اعتماد یکی از عناصر اصلی و ضروری در تسهیل مشارکت ذینفعان در رویکرد اجتماع محور به شمار می‌رود [۱۱، ۴۹].

مشارکت، حضور و دخالت آگاهانه، داوطلبانه، خلاق و متعهدانه افراد و اقشار مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است [۴۰]. هر کس که مشارکت فعال نداشته

روابط فی مابین کنشگران، قادر است شبکه غیرقابل مشاهده ارتباطات میان ذینفعان را قابل مشاهده ساخته و به عنوان یک ابزار کارآمد در سنجش سرمایه اجتماعی با فراهم کردن ورودی‌های ارزشمند برای مدیران و سیاستگذاران، آن‌ها را در شناخت چالش‌های پیش روی عملیاتی نمودن مدیریت اجتماع محور و سیاست‌گذاری جهت بر طرف نمودن این چالش‌ها یاری نماید [۵۵، ۵۶]. در روش تحلیل شبکه به منظور انجام کلیه محاسبات ریاضی از نرم‌افزار UCINET نسخه 6.515 استفاده شده و با استفاده از ماتریس داده‌های جمع‌آوری شده، شاخص‌های مورد نظر محاسبه و مورد ارزیابی قرار گرفته است. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاستی در توانمندسازی جوامع محلی و مدیریت جامع سرزمین است [۲۶]. از جمله شاخص‌هایی که مطابق اهداف تعریف شده این تحقیق مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تراکم شبکه^۲: این شاخص به صورت نسبت تعداد کل پیوندهای موجود بر تعداد کل پیوندهای ممکن در شبکه تعریف می‌گردد [۳۱]. میزان این شاخص بین صفر تا یک و نیز صفر تا ۱۰۰ در صد متغیر است. تراکم بالا منجر به افزایش اعتماد و تسهیل در به اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع و همچنین افزایش مشارکت و همکاری بین ذینفعان خواهد شد، بنابراین میزان سرمایه اجتماعی افزایش یافته و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌یابد [۳۱]. [۱۶]

دو سویگی^۳ پیوندها: میزان دوسویگی یکی از شاخص‌های مهم در تعیین میزان پایداری در شبکه مورد نظر است و می‌توان از این شاخص برای مشخص نمودن میزان اعتماد و مشارکت متقابل استفاده نمود [۳۴].

شاخص E-I (نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی): این شاخص نشان دهنده پیوندهای

ایام سال هجوم شن‌های روان خانه، مزارع، باغات و جاده‌های شهرستان را مورد تهدید و نابودی قرار دهد و تعدادی از مردم روستایی مجبور به ترک روستا و در واقع مرگ خاموش شده‌اند.

۲.۲. روش کار

در این مقاله روابط اعتماد و مشارکت، از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی، در بین ذینفعان محلی (سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی) در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور، جهت بررسی کارایی و اثر بخشی این پروژه در راستای افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، در ۴ روستای رستم آباد علی چارک، زیارت شاه، ده رضا و علی آباد هشتصدمتری تحلیل و ارزیابی شده است. در این تحقیق بر اساس روش پیمایشی و با استفاده از مشاهده مستقیم و مصاحبه با گروه‌های هدف، گره‌های شبکه شامل سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه (به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در هر زیر گروه) در هر منطقه مشخص شدند. این افراد بر اساس انتخابات محلی توسط روستاییان انتخاب شده‌اند و شامل ۳۳ نفر در چهار منطقه می‌باشند. جهت بررسی روابط برون‌گروهی و نیز سنجش میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در مناطق چهارگانه مورد نظر، میزان روابط اعتماد و مشارکت در بین سرگروه‌ها در یک شبکه مورد تحلیل قرار گرفتند. روش تحلیل شبکه‌ای مورد استفاده در این تحقیق روش شبکه کامل^۱ است که کل اعضای شبکه را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار UCINET نسخه 6.507 مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

۳.۲. روش تحلیل شبکه

شبکه اجتماعی شامل ذینفعان و روابط بین آن‌ها است. روش تحلیل شبکه اجتماعی با تحلیل الگوی ساختاری

³- Reciprocity

¹- Whole Network

²- Network Density

در مناطق خشک مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در این بخش شاخص‌های سطح کلان سنجش و ارزیابی شده است.

۱.۱.۳. شاخص تراکم و میزان انسجام و سرمایه اجتماعی برون گروهی در بین سرگروه‌های چهار روستا در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور

جهت سنجش میزان سرمایه اجتماعی برون گروهی در بین سرگروه‌های چهار روستا شاخص تراکم شبکه مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد، مشارکت در جدول (۱) آورده شده است. براساس نتایج این جدول میزان شاخص تراکم در پیوند اعتماد در بین سرگروه‌های این چهار روستا در مرحله قبل از اجرای پروژه ۲۶/۹۰ درصد (کم) بوده و در مرحله بعد از اجرای پروژه با افزایش ۱۲/۱ درصدی به ۳۹ درصد (کم) رسیده است. همچنین اندازه شاخص تراکم در پیوند مشارکت در میان سرگروه‌ها در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه به ترتیب ۲۵/۷۰ و ۳۴ درصد است که به میزان ۸/۳ درصد افزایش داشته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاخص تراکم در پیوندهای مختلف در مرحله بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل از اجرای آن افزایش یافته است. در واقع می‌توان استدلال نمود که اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور در این روستا توانسته است با اعتمادسازی و ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت و همکاری بین سرگروه‌های کمیته‌های توسعه روستایی، با افزایش روابط بین افراد منجر به افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی گردد. سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه مناسبی را برای دستیابی به دیگر انواع سرمایه انسانی و مالی نیز فراهم آورد. در جوامعی که میزان اعتماد و مشارکت بالای افراد منجر به برابری فرصت‌های اجتماعی برای افراد جامعه می‌شود افزایش سرمایه

برون گروهی به درون گروهی است. در واقع میزان سرمایه اجتماعی ارتباطی یا برون گروهی را می‌توان بر اساس این شاخص سنجید. منظور از سرمایه اجتماعی برون گروهی میزان پیوند بین سرگروه‌های مختلف در کمیته‌های مختلف در چهار منطقه مورد نظر است. افراد دارای E-I مثبت دارای پیوندهای برون گروهی بیشتر نسبت به سایرین (تمایل به انسجام برون گروهی) و افراد دارای منفی این شاخص دارای پیوند درون گروهی بیشتر (تمایل به انسجام درون گروهی) و افراد با شاخص E-I صفر پیوندهای درون و برون گروهی برابری در شبکه دارند [۴۶].

میانگین فاصله ژئودزیک: این شاخص به عنوان میانگین کوتاه‌ترین فاصله بین یک جفت کنشگر تعریف می‌شود. برای سنجش سرعت گردش و تبادل (اعتماد و مشارکت) و پخش منابع و اطلاعات در شبکه از این شاخص استفاده می‌گردد. میزان بالای این شاخص نشان‌دهنده سرعت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین ذینفعان و اتحاد و یگانگی بین افراد است. بنابراین زمان کمتری جهت هماهنگ ساختن افراد برای مدیریت یک منبع مشخص صرف می‌شود و افراد با سرعت بیشتری به یکدیگر دسترسی خواهند داشت و در نهایت این امر در اعتمادسازی و فعالیت‌های جمعی افراد اهمیت ویژه‌ای دارد [۳۱].

۳. نتایج

۱.۳. تحلیل ساختاری پیوندهای اعتماد و مشارکت

در بین سرگروه‌های چهار روستا در سطح کلان

جهت تحلیل الگوی ساختاری شبکه سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی در روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد، ده‌رضا و علی‌آباد هشتصدمتری، روابط بین سرگروه‌های موجود در این چهار روستا به عنوان رهبران محلی و نمایندگان روستاهای یاد شده در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور

¹ Average of Geodesic Distance

مشارکتی و اجتماع محور با افزایش شاخص تراکم در پیوندهای مختلف همراه بوده است و توانسته در راستای تقویت انسجام و سرمایه اجتماعی برون گروهی بر مبنای اعتماد، مشارکت در میان سرگروه‌های کمیته خرد توسعه روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد، دهرضا و علی‌آباد در مرحله بعد از اجرای پروژه مؤثر واقع گردد اما همچنان انسجام و سرمایه اجتماعی برون گروهی در میان سرگروه‌های چهار روستای مذکور در حد کمی است و نیاز به تقویت روابط بین آن‌ها در تمام زمینه‌ها به شدت وجود دارد تا اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور با موفقیت بیشتری همراه باشد.

اجتماعی و انباشت و گسترش آن را به دنبال خواهد داشت که منجر به مشارکت و ارتباط افراد یکدیگر می‌شود و نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی دارد. سرمایه اجتماعی غنی در جوامع محلی منجر به ایجاد یک جامعه منسجم می‌گردد که در آن تمام افراد به صورت آگاهانه و فعال در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مشارکتی حضور خواهند داشت. بنابراین افراد به صورت برابر قدرت دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را خواهند داشت و محرومیت اجتماعی نیز تا حد زیادی به دنبال افزایش سرمایه اجتماعی کاهش خواهد یافت. البته قابل ذکر است که هر چند اجرای پروژه مدیریت

جدول ۱. میزان شاخص تراکم در بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد، دهرضا و علی‌آباد

مرز اکولوژیک	پیوند	درصد تراکم در مرحله قبل از اجرای پروژه	درصد تراکم در مرحله بعد از اجرای پروژه
زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتصد متری	اعتماد	۲۶/۹	۳۹
	مشارکت	۲۵/۷	۳۴

سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتصد متری نسبت به مرحله قبل از اجرای پروژه افزایش یافته است به طوری که میزان این شاخص در پیوند اعتماد با افزایش ۶ درصدی در حد متوسط رو به بالا، در پیوند مشارکت با افزایش ۸ درصدی در حد متوسط ارزیابی می‌گردد. این امر بیانگر افزایش اعتماد و مشارکت متقابل و به دنبال آن سرمایه اجتماعی برون گروهی در بین سرگروه‌ها بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور می‌باشد. می‌توان بیان نمود که اجرای پروژه با تأثیر مثبت خود در جهت افزایش روابط متقابل و دوسویه در میان سرگروه‌ها، پایداری شبکه را افزایش می‌دهد؛ در واقع به علت نهادینه شدن روح اعتماد و همکاری در میان سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی به عنوان رهبران این کمیته‌ها، سرمایه اجتماعی برون گروهی محقق گردیده که این مهم خود عاملی مؤثر

۲.۳.۳. میزان دوسویگی در بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتصد متری

جدول (۲) نتایج مربوط به شاخص دوسویگی پیوندها و انتقال‌یافتگی پیوندها را نشان می‌دهد. با توجه به جدول اندازه شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد در مرحله قبل از اجرای پروژه میزان ۴۷/۱۵ درصد و بعد از اجرای آن میزان ۵۳/۱۶ درصد می‌باشد. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت در مرحله قبل از اجرای پروژه ۴۰/۴۱ درصد و بعد از اجرای آن ۴۸/۳۵ درصد است. مطابق نتایج به دست آمده در مرحله قبل از اجرای پروژه میزان شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد متوسط و در پیوند مشارکت کم می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که شاخص دوسویگی در مرحله بعد از اجرای پروژه در هر دو پیوند در بین

در مدیریت مشارکتی اجتماع محور محسوب می‌گردد.

جدول ۲. شاخص دوسویگی پیوندها در بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری

مرز اکولوژیک	نوع پیوند	مرحله قبل از اجرای پروژه دوسویگی (%)	مرحله بعد از اجرای پروژه دوسویگی (%)
روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری	اعتماد	۴۷/۱۵	۵۳/۱۶
	مشارکت	۴۰/۴۱	۴۸/۳۵

۳.۳.۳. میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و

مشارکت در بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه،

رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری

با توجه به جدول (۴) در مرحله قبل از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور، میانگین فاصله ژئودزیک در میان سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری در پیوند اعتماد ۲/۰۵ بوده که در مرحله بعد از اجرای پروژه به ۱/۶۱ و به میزان ۰/۴۴ کاهش یافته است. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت و در مرحله قبل از اجرای پروژه میزان ۲/۰۹ و بعد از اجرای آن به ۱/۶۷ و به میزان ۰/۴۲ کاهش یافته است. در واقع نزدیک بودن عدد میانگین فاصله ژئودزیک به عدد یک نشان‌دهنده بالا بودن سرعت گردش منابع و اطلاعات در بین افراد بوده و اتحاد و یگانگی بالای افراد را بیان می‌کند. میزان بالای اتحاد و یگانگی بین سرگروه‌ها منجر به افزایش سرعت تبادل پیوندهای مختلف و کاهش زمان هماهنگ شدن آنان در راستای اجرای موفق پروژه خواهد شد. با توجه به نتایج

می‌توان گفت که با کاهش میانگین فاصله ژئودزیک در هر دو پیوند اعتماد، مشارکت بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور، فاصله اجتماعی بین دو فرد کاهش یافته و به کوتاه‌ترین فاصله بین آن‌ها رسیده است. به این معنی که افراد برای برقراری ارتباط با یکدیگر در زمان کوتاه‌تری در ارتباط هستند و سرعت گردش اعتماد و مشارکت در بین آن‌ها متوسط است. بنابراین می‌توان بیان نمود که با اجرای پروژه و انجام فعالیت‌های مشارکتی در راستای توسعه پایدار روستایی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری افزایش یافته و اتحاد و یگانگی بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستاهای یاد شده زیاد گشته است. لذا بر اساس این نتایج می‌توان استدلال نمود که میزان تاب‌آوری جامعه محلی در این روستاها در مواجهه با تنش‌های محیطی و اجتماعی افزایش خواهد یافت و توانمندسازی اجتماعی با سرعت بیشتری محقق خواهد گردید.

جدول ۳. میانگین فاصله ژئودزیک در بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری

مرز اکولوژیک	پیوند	مرحله قبل از اجرای پروژه میانگین فاصله ژئودزیک	مرحله بعد از اجرای پروژه میانگین فاصله ژئودزیک
روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، دهرضا و علی‌آباد هشتمتری	اعتماد	۲/۰۵	۱/۶۱
	مشارکت	۲/۰۹	۱/۶۷

۴. بحث و نتیجه گیری

مدیریت اجتماع محور در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است، زیرا در این شیوه از مدیریت همه فرآیند مداخله پیشگیرانه (از تعیین مشکل تا اولویت بندی، طراحی، اجرا، ارزشیابی و اصلاح آن برای اجرای بعدی) را اعضای جامعه انجام می‌دهند. راهبرد اصلی عملی کردن برنامه‌های توانمندسازی و توسعه روستایی تأکید بر عواملی است که بی‌شتر جنبه مشارکتی با جوامع محلی دارند. به همین جهت اولین گام برای رسیدن به رویکرد اجتماع محور، بسیج جوامع محلی و جلب مشارکت مردمی در کلیه سطوح است. در سال‌های اخیر مشارکت ذینفعان یا دست اندرکاران در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در قالب مدیریت اجتماع محور مورد بحث قرار گرفته است و به عنوان روشی برای ارتقای سرمایه اجتماعی مورد حمایت گسترده واقع شده است [۱۴، ۷، ۲۵].

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی به آن نوع ارتباطاتی اشاره دارد که در بین افراد به جای اتکاء به نزدیکی‌های شخصی و هویت مشترک، بر علایق مشترک متکی است. مثل انجمن‌ها و گروه‌های غیر محلی که از آن‌ها به پیوندهای ضعیف یاد می‌کنند. پاتنام (۲۰۰۰) بر این باور است که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی حلقه‌های ارتباط و پیوند میان افراد را گسترش می‌دهد، هویت‌های عام و گسترده را میان اعضای جامعه ایجاد می‌کند، امکان نشر اطلاعات و تعامل میان هویت‌ها را فراهم می‌کند، باعث اتصال و پیوند افراد متفاوت از پخش‌های گوناگون جامعه به یکدیگر می‌گردد، در نتیجه عاملی مؤثر در راستای مدیریت مشارکتی اجتماع محور است [۲۱، ۳۵].

در این تحقیق میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در راستای افزایش مشارکت جوامع محلی، قبل و بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور در چهار روستای رستم آباد علی چارک، زیارت شاه، ده رضا و علی آباد هشتصدمتری اندازه‌گیری شده است. جهت سنجش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، روابط بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه در مناطق چهارگانه بر اساس دو

۴.۳.۳. اندازه شاخص E-I در سطح کلان شبکه

سرگروه‌های چهار منطقه

بر اساس نتایج این شاخص می‌توان بیان نمود در سطح کلان شبکه سرگروه‌های چهار منطقه، در قبل از اجرای پروژه تعداد پیوند درون‌گروهی ۲۲۰ و تعداد پیوند برون‌گروهی ۱۶۶، برای پیوند اعتماد و برای پیوند مشارکت تعداد پیوند درون‌گروهی ۲۲۴ و تعداد پیوند برون‌گروهی ۱۶۲ است. در بعد از اجرای پروژه برای پیوند اعتماد تعداد پیوندهای درون‌گروهی ۲۳۶ و تعداد پیوندهای برون‌گروهی ۳۰۲ و برای پیوند مشارکت تعداد پیوندهای درون‌گروهی به ۲۳۴ و تعداد پیوندهای برون‌گروهی به ۲۵۰ تغییر کرده است. لذا می‌توان ادعا نمود که در بعد ذهنی سرمایه اجتماعی (اعتماد)، میزان اعتماد برون‌گروهی به میزان حدود ۲ برابر در بین ۴ روستای پایلوت افزایش یافته است و از نظر مشارکت به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، میزان این شاخص در حدود ۱/۵ برابر افزایش یافته است؛ لذا می‌توان بیان نمود که این امر به نوبه خود در کاهش محرومیت اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند.

بر اساس نتایج شاخص تراکم در پیوندهای مختلف در مرحله بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور نسبت به قبل از اجرای آن افزایش یافته است و شاخص دوسویگی در مرحله بعد از اجرای این پروژه نسبت به مرحله قبل از اجرای پروژه افزایش یافته است. با کاهش میانگین فاصله ژئودزیک در هر دو پیوند اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور، فاصله اجتماعی بین دو فرد کاهش یافته است. می‌توان بیان نمود اجرای این پروژه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را در بین سرگروه‌های چهار منطقه افزایش داده که این به نوبه خود بر مشارکت گسترده ساکنین و افزایش رفاه اجتماعی اثرگذار خواهد بود.

سرعت هماهنگ ساختن در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به ویژه مشارکت جهت افزایش سرعت گردش این پیوند در بین افراد و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین بهره‌برداران محلی بسیار مهم است. نتایج سایر محققین نیز این ادعا را مورد تأکید قرار داده است [۴۶، ۴۵].

براساس نتایج شاخص E-I می‌توان اظهار نمود که اجرای پروژه توانمندسازی جوامع محلی (مدیریت مشارکتی و اجتماع محور) در چهار منطقه شهرستان ریگان سبب تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی و تقویت پیوندهای مشارکت در بین جوامع محلی شده است که به دنبال آن مدیریت اجتماع محور نیز افزایش یافته است. لذا می‌توان استدلال نمود که پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور با افزایش روابط برون گروهی، فقر شبکه‌ای را در مناطق پایلوت کاهش داده است و در روابط بین روستاها تا حدود زیادی موفق بوده است که مقایسه شرایط قبل و بعد از اجرای پروژه این ادعا را اثبات می‌نماید. تقویت سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت و ارتباط افراد با یکدیگر می‌شود و از این طریق نقش مهمی در بالا بردن مشارکت افراد در تغییر و بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی جامعه خود دارند [۱]. در واقع افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی از گسیختگی و آسیب‌پذیری جامعه جلوگیری نموده و دسترسی به اطلاعات و منابع را فراتر از افرادی که در محدوده اجتماعی قرار دارند، ممکن می‌سازد. لذا شناخت این روابط از طریق روش تحلیل شبکه‌ای امکان پذیر است و بر اساس این روش می‌توان اثربخشی پروژه‌های توانمندسازی جوامع محلی را از نگاه سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار داد.

پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی و شاخص‌هایی چون تراکم، دو سویگی پیوندها، شاخص E-I و میانگین فاصله ژئودزیک مورد تحلیل قرار گرفته است.

بر اساس نتایج به دست آمده در این چهار منطقه، میزان تراکم در پیوند اعتماد تقریباً کم و کمبود پیوند مشارکت در این روستا یک چالش عمده در مدیریت مشارکتی محسوب می‌شود که پس از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور میزان تراکم در بین افراد به میزان مطلوبی افزایش یافته است و افزایش میزان تراکم در بین افراد سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح افراد شده است. سرمایه اجتماعی به دلیل بهبود و تسهیل فعالیت‌های جمعی، عاملی مهم در افزایش مدیریت مشارکتی محسوب می‌گردد [۲۴، ۱۴، ۴]. میزان نهادینه شدن عرف‌ها و سنت‌های محلی و پایداری و تعادل شبکه بر اساس پیوند اعتماد و مشارکت متوسط ارزیابی می‌شود [۸، ۴۶، ۴۵] و نشان می‌دهد افراد دارای روابط نهادینه کمی بوده و شبکه‌ای متزلزل که دارای توازن و تعادل نامطلوب است را به وجود آورده‌اند. بنابراین نیاز به تقویت روابط دوسویه و متقابل جهت پایداری شبکه در راستای افزایش سرمایه اجتماعی است که پس از اجرای پروژه مدیریت مشارکتی و اجتماع محور این میزان به حد مطلوبی افزایش یافته است.

میانگین فاصله ژئودزیک در دو پیوند اعتماد و مشارکت به ترتیب ۲/۰۵ و ۲/۰۹ است که بیانگر سرعت پایین گردش اعتماد و اتحاد و یگانگی و مشارکت افراد می‌باشد و پس از اجرای این پروژه این میزان بهبود یافته و به مقدار ۱/۶۱ و ۱/۶۷ برای دو پیوند اعتماد و مشارکت رسیده که نشانگر سرعت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین افراد است. در واقع با توجه به اهمیت زمان و

References

- [1] Abdul-Hakim, R., Abdul-Razak, N. and Ismail, R. (2010). Does social capital reduce poverty? A case study of rural households in Terengganu, Malaysia, *European journal of social sciences*, 14 (4): 556-566.
- [2] Akhtar Mohagheghi, M. (2007). *Social capital*, Tehran: bibliography, 123 pages.
- [3] Avramov, D. (2002). *People, Demography, and Social Exclusion*, Strasbourg, Belgium: Council of European Publishing.
- [4] Ballet, J., Sirven, N., and Requieres-Desjardins, M. (2007). *Social Capital and Natural Resource Management*, *The Journal of Environment & Development*, 16(4): 355-374.
- [5] Bhagavatula, S., Elfring, T., Tilburg, A., Gerhard, G. and Bunt, V. (2010). "How Social and Human Capital Influence Opportunity Recognition and Resource Mobilization in India's Hand loom Industry", *Journal of Business Venturing*, 25(3): 245-260.
- [6] Bhalla, A. and Frederic L. (2004). "Poverty and Exclusion in a Global World", Publisher: Palgrave Macmillan, 264p.
- [7] Bodin, O. and Prell, C. (2011). *Social network in natural resources management*. Cambridge University Press.
- [8] Bodin, O., Crona, B. and Ernstson, H. (2006). *Social networks in natural resource management – What's there to learn from a structural perspective?*, *Ecology & Society*, 11(2). r2. [online].
- [9] Buchanan, A. (2007). *Including The Society Excluded: The Impact of Government Policy on Vulnerable Families and Children in Need*, *British Journal of Social Work*, (37): 187-207.
- [10] Buckle, P. (2000). "New Approaches to Assessing Vulnerability and Resilience", *Australian Journal of Emergency Management*. Victoria: Emergency Management Australia, 15(2).8-14.
- [11] Carlsson, L. and Berkes. F. (2005). *Co-management concepts and methodological implications*. *Journal of Environmental Management*, 75: 65-76.
- [12] Chalbi, M and AmirKafi, M. (2010). *Multilevel analysis of social isolation*, *Iranian Journal of Sociology*, 5 (2): 31-3.
- [13] Cohen, D. and Prusak, L. (2001). *In good company: How social capital makes organizations work*. Harvard Business Press. 20 p.
- [14] Davis, J., Kang, A., and Vincent, J. (2001). *How important is Improved Water Infrastructure to Microenterprises? Evidence from Uganda*, *Journal of World Developed.*, 29(10): 1753-1767.
- [15] De Haan, A. (2001). *Social Exclusion Enriching the Understanding of Deprivation*, University of Sussex.
- [16] Ebrahemi, F., Ghorbani, M., Salajegheh, A. and Mohseni Saravi, M. (2014) *Social network analysis of local stakeholders in participatory management of water resources (case study: River Jajrovd- Darbandsar village)*, *Journal of Watershed Management Science and Engineering*, the eighth year. 8 (25): 56-47
- [17] Falk, K. (2013). *Preparing for Disaster: A Community Based Approach*, 2nd Rev. Danish Red Cross, Copenhagen, from
- [18] Farahani, H., Einali, J. and Abdoli, S. (2013). "Assess the role of social capital in the development of rural areas (Case Study: Mashhad district Meighan city of Arak)", *Journal of Applied Geographical Sciences* Syzdm year, (25): 50-27.
- [19] Firouzabadi, S.A and Sadeghi, A (2015). *Social exclusion, sociological approach to exclusions*. Tehran: sociologists, page 312.
- [20] Firouzabadi, S.A and Sadeghi, A. (2010). *Social exclusion status of rural poor women*, *Iranian Journal of Social Issues*, Vol. 1, (1): 174-143.
- [21] Fischer, H.W. (2001). "The Deconstruction of the Command and Control Modle: a Post Modern Analysis", Paper Presented at the Annual Meeting of the European Sociological Association, Helsinki.
- [22] Flotten, T. (2006). "Poverty and Social Exclusion: Two Side of the Same Coin or dynamically interrelated processes?" *Journal of Applied Economics*, 43(25): 3549-3571.

- [23] Ghaffari, GH and Omid, R. (2008). Quality of Life Index for Social Development, Tehran: publication and research headband. 235 pages.
- [24] Ghaffari, GH and Taj al-Din, M.B (2005). "Factors of social exclusion", Journal of Social Welfare, the fourth year, (17): 33-9.
- [25] Ghorbani, M. (2014). The report of national project: Social network analysis; modeling, policy-making and implementation of natural resources co-management (Vol 1.), University of Tehran and the Iranian Forest, Rangeland and Watershed Management organization. (In Persian)
- [26] Ghorbani, M. (2015). The report of national project: Social network analysis; modeling, policy-making and implementation of natural resources co-management (Vol 2.), University of Tehran and the Iranian Forest, Rangeland and Watershed Management organization. (In Persian)
- [27] Ghorbani, M. (2015). Monitoring and evaluation of policy action plan on social networks empowers local communities and territories Cup Management, Department of Natural Resources, Tehran University, 85 pages.
- [28] Ghorbani, M., Azarnivand H., Mehrabi, A. A., Bastani, S., Jafari, M. and vice, H. (1392), "Social network analysis: a new approach in policy-making and planning collaborative management of natural resources" Journal of range and Watershed, 1 (7): 85-47.
- [29] Giddens, Anthony (1386). Third Way, translation M. patience, Kashani, Tehran: Publication headband.
- [30] Granovetter, M. (1973). The Strength of weak ties, Sociology Theory, Volume 1, 201-233.
- [31] Gülümser, A., Levent, T., Nijkamp, P. and Poot, J. (2012). The role of local and newcomer entrepreneurs in rural development: A comparative meta- analytic study, Research Memorandum, Faculty of Economics and Business Administration, Vrije Universitrit Amsterdam.
- [32] Hanneman, R.A. and Riddle, M. (2005). Introduction to social network methods, University of California Riverside, California. 322p.
- [33] Karegar, A., Nooshafarin, B., Yousephi, M. and Habili, R. (2015), "Report of the International Project and restoration of degraded forest lands (RFLDL)», published Chahar Derakht, Birjand.
- [34] Khazaeli Parsa, F., (2009) Proceedings of community-based prevention of drug addiction and Welfare Organization.
- [35] Leahy, E. and Anderson, H. (2008). Trust Factors in Community-water Resources Management Agency Relationships, Journal of Landscape and Urban Planning, (87): 100-107.
- [36] Lienert, J., Schnetzer, F., and Ingold, K. (2013). Stakeholder analysis combined with social network analysis provides fine-grained insights into water infrastructure planning processes. Journal of Environmental Management, 15(125): 134 -148.
- [37] Mohseni Tabrizi, A. (1992) investigate the roots of rural participation and its relationship with agricultural extension. Tehran: Department promotes public participation Jihad Ministry.
- [38] Mohseni Tabrizi, A.R., Moeedfar, S. and Golabi, F. (2011), to evaluate the social trust a look at generation to society, applied sociology, twenty-second year, (1): 70-41.
- [39] Narayan, D. (1999) "Bonds and Bridges: Social Capital and Poverty ", World Bank. 52p.
- [40] Nateghpour, M.J and Firozabadi, S.A (2006). Factors affecting the development of social capital and meta-analysis. Journal of Sociology, (5): 190-160.
- [41] Oakley, P. and Marsden, D, (2002), participatory approaches in rural development Rescue translator Mansour Mahmoud Hosseini, Tehran: Center for Research and rural issues Ministry of Agriculture.
- [42] Pierson, J. (2002). Tacking Social Exclusion, Publisher: Routledge, 240 p.
- [43] Poggi, A. (2004). Social Exclusion in Spain: Measurement Theory and Application, Department de Economia Aplicada, University Autonoma de Barcelona. 141p.
- [44] Pourezzat, AA; Firozpour, A and Sadabadi, A. (2012). The study and comparison of Community-Based Approach in crisis management in selected countries. Journal management of government agencies, first year, (2): 49-23
- [45] Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone. The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon and Schuste, 541 p.

- [46] Rahimi Balkanlu, Kh. (2014). Feasibility study to assess the sustainability of land use social network analysis and performance analysis perspective (Master's thesis). Department of Natural Resources, Tehran University.
- [47] Salari, F. (2014). Modeling and network analysis Policies watershed Kermanshah resin (Master's thesis). Department of Natural Resources, Tehran University.
- [48] Sen, A. (2000). Social Exclusion: Concept, Application and Scrutiny, Social Development Papers, No1. Manilla: Office of Environment and Social Development. Asian Development Bank.
- [49] Shahcheraghi, F and Mirzaeian, A. (2014). Legend consider how the community-based approach in dealing with social issues, social issues and the book of abstracts National Conference on Community-Based Approach, 5 March.
- [50] Stern, M. J., and Coleman, K.J. (2014). The Multidimensionality of Trust: Applications in Collaborative Natural Resource Management, *Journal of Society & Natural Resources*, 28:117-132.
- [51] Suzuki, E., Takao, S., Subramanian, S.V., Komatsu, H., Doi, H. and Kawachi, I. (2010). Does low work place social capital have detrimental effect on worker's health?, *Social science and Medicine*, 70: 1367- 1372.
- [52] Tajbakhsh, Q. (2010). Social capital, trust, democracy and development, Tehran: publication and research shiraze. 704 pages.
- [53] Tajmazinani, A.A (2011). Literature review on the situation of young people in Iran and to determine priority issues related to the youth of the country, UNICEF representative in Iran publications.
- [54] Tavalae, H. and AliPour, F. (2014). Community-based participatory research within the framework of symbolic interaction theory, the book of abstracts national conference on social issues and community-based approach. 5 March.
- [55] Tusi, M.A. (1993), participation in ownership and management, Tehran: State Management Training Center, 165 Page.
- [56] Vignola, R., McDaniels, T.L, and Scholz, R.W. (2013). Governance structures for ecosystem-based adaptation: Using policy network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas. *Environmental science & policy*, 31:71-84.
- [57] Wasserman, S. and Faust, F. (1994). *Social Network Analysis: Methods and applications*, Cambridge, MA: Cambridge University Press. 358 p.
- [58] Zanini, M.T.F. and Migueles, C.P. (2013). Trust as an element of informal coordination and its relationship with organizational performance. *Economia*, 14 :77-87.